



فکر

شماره ۲ اردی بهشت ماه ۱۳۰۵ صفحه ۴۷

کلمات دعو کریت

- از هیچ چیزی تواید نمیشود - از چیزی که وجود دارد چیزی •
- ضایع نمیتواند شدن - هر تغییری عبارت است از الحاق و تجزیه •
- اجزاء - هیچ حادثه بخودی خود واقع نمیشود بلکه هر حادثه را •
- علت و سببی است که آن عامل و اسباب وقوع حادثه را الزام •
- میکند - غیر از آنوم (جزء لایتجزای اجسام) و فضای خالی •
- چیزی وجود ندارد - هر چیزی غیر از این است مفروضات و عقاید •
- ما است - شیرینی و تلخی و حرارت و سردی و الوان آنها در •
- فکر ما وجود دارند، در حقیقت فقط آنوم ها و اخلاص است - عده •
- آنوم ها لایتنای و اشکال آنها متنوع است - •

- در حین سقوط ابدی خود در میان فضای لایتناهی اتموم های •
- بزرگ که سریعتر ساقط میشوند به اتموم های کوچک تر تصادف •
- کرده - و این تصادمها مقدمه تشکیل عالمها است - •
- عالمهای بی حساب بی در پی تشکیل شده و می میرند - •
- تفاوت مابین اشیاء از تفاوت عددی و شکلی و ترتیبی اتموم های •

• آن اشیاء است - •

- از حیث کیفیت ما بین اتموم ها فرقی وجود ندارد - •
- اتمومها يك اجزاء داخلی • ندارند - •
- اتمومها فقط از حیث فشار و اصطكاك در یکدیگر تاثیر نفوذ •
- میکنند - روح مرکب است از اتموم های دقیق و صیقلی و کرده •
- شبیه به اتموم های آتش - این اتمومها از تمام اتمومهای دیگر •
- متحرکتر هستند و در تمام بدن نفوذ میکنند و از این حرکت و •
- نفوذ آنها حوادث حیاتی بظهور میرسد •

چنین میگفت دموکریت حکیم یونانی در دو هزار و پانصد سال قبل از عصر ما زنده بود و در کتابش در باب اتمومها
 ما امروزه صفحات مجله فرهنگ را با کلمات ابن فلیسوف بزرگ
 که در ایران کمتر از او نامی می برند، آمیزیم کردیم.

دموکریت، صاحب افکار و مذکور که عرب ها او را ذیمقراطیسی
 مینامند، کسی است که بدون اغراق میتوانش یکی از بزرگترین
 متفکرین عهد عتیق نامید. او در آقرن ششم قبل از میلاد زندگی
 میکرد. تاریخ رسمی، که بی اهمیت ترین وقایع را ثبت کرده و
 کوچکترین حرکات تاجداران را تفسیر و پیرایش میکند، کمتر
 از این مرد بزرگ نامی می برد. اغلب مورخین ما اسم او را اهم
 نشیده اند در صورتیکه روح فلسفه ابن مرد بزرگ در بسیاری از
 معلومات مثبت مکتسبه ما (از قبیل فیزیک و شیمی و غیره) موجود است. ما
 آثار دموکریت را کسی اگر دنیابورده و بشکل یک مجموعه
 کاملی به ما نرسیده است. قطعات پراکنده که از او باقی مانده بیشتر
 همان است که از کتب متقدمین و مخالفین او استخراج گشته است.
 مخالفینی که با وجود عداوت شدید، در هیچ جا جرات نکرده اند
 جز با احترام از او نامی برند. لهذا ما از عقاید او بیشتر مطلعیم
 تا از افکار بسیاری از فلاسفه ما. روشن که کتاب های قطوری از
 خود باقی گذاشته اند. علت این هم روشنی فکر و منطق محکم
 دموکریت است. دموکریت اهل یکی از کوچ نشین های
 (کواونی ها) یونانی بوده است در کنار بحر الروم (شهر آبدر).

در آن زمان این اکوچ نشین ها روابط تجارتنی با مصر و یونان و ایران و فنیقی ها و غیره داشته و باین واسطه متمدن ترین بلاد یونان محسوب میشدند. دموکریت از آغاز جوانی میل فرطی به تجسس و تفکر داشته و تمام تمول پدر خود را (که به شغل تجارت اشتغال داشت) در مسافرت های که با قطارا دنیای متمدن آن روزی، برای مطالعه و آشنایی با علوم کرد، صرف نمود، تا آنکه بنا بقول هرودوت، روح یونانی کورنوس خشا بارشا کورنوس پادشاه ایران مدتی در بلده (آبدور) مسقط الیراس دموکریت اقامت جسته و عده بسیاری از علمای ایرانی همراه پادشاه ایران بودند، عقیده بسیاری از او برخین بر این است که دموکریت جوان و متجسس از علمای ایرانی، همراه سلطان، بسیاری از مطالب رسوده اند. او با نتیجه افکار فلسفی او، که در نتیجه مطالعه و تدقیق طولانی بوجود آمده، در واقع نتیجه اصطکاک تجارب و افکار آن زمان علمای ایران و مصری و یونانی و فنیقی بوده است. از این اصطکاک بود که افکار بکر و زردنگی که در بالا پاره از آنها را نقل کردیم ترادش کرده است. بعضی از عقاید دموکریت، از نقطه نظر علوم و اکتشافات علمی،

کودکانه و ناقص بنظر میاید - مثلا تعریفی را که در خصوص روح کرده و برای آن آتوم های مخصوص قائل میگردد .

این نقصی است که کم و بیش در نوشتهجات تمام فلاسفه عتیق دیده میشود . ولی منصفان ، يك حقیقت را باید در نظر گیرند

که دموکریت و سقراط و افلاطون (که تقریباً معاصر هم بودند) در شش قرن قبل از میلاد زندگی میکردند . این دوره

بود که علوم و صنایع ، در حال صباوت بوده و قسمت بزرگی از افکار و عقاید علمی و فلسفی ایشان بیشتر همان بود که تنها بوسیله

مغز وسیع و ژنی بی نظیر خود ایجاد نمودند و با تجربیات عملی مطابق نشده و اصلاح و ترمیم نشده بود . بدیهی است این قبیل افکار

فلسفی ، هر قدر جسورانه و بالنتیجه قابل تحسین باشند ، کلامی باحقیقت مطابق نیستند . بعلاوه باید در نظر گرفت که هر فیلسوف

یا عالمی برای انشاد عقاید و نظریات خود نمیتواند از حدود وسایلی که عصر او در اختیارش گذاشته است تجاوز کند .

دموکریت در هر حال یکی از مؤسین فلسفه مادی کنونی موسوم به آتومیستیک Atomistique میباشد .

و همین بس است برای اینکه نام بزرگ او تا قرن ها در تاریخ ترقیات علمی و فلسفی بشر باتکریم و احترام برده شود (۱) شاید (۲)

ه . ه . ج . بالاسم (۳)

(۱) در این جا از کتاب « تاریخ مائریزم » Histoire du matérialisme تألیف لانکه آلمانی F. Lange استفاده شده است .